**مجموعه داستان «آن باد» نوشته‌ی مریم افشار، توسط انتشارات روشنگران و مطالعات زنان منتشر شد. «آن باد»، «سروِ آبی»، «تابستانِ سی و دو» و «شبی که طلوع گم شد» عناوینِ داستان‌های این مجموعه هستند.**

**مریم افشار در ارتباط با موضوعِ داستان‌های این مجموعه می‌گوید: «اثرِ پیش رو چهار داستان است، روایت زنانی‌ست ستم‌دیده اما عاشقِ زندگی. «آن باد»؛ از مشروطه می‌گوید و غم دلتنگیِ زنانی که قربانی مشروطه و تاریخ شدند. «سروِ آبی»؛ داستانِ کوتاهی است که نامیرایی و اسطوره سروِ همیشه سبز، دو ویژگی بارزش است. «تابستانِ سی و دو»؛ از تحول زندگیِ جانان، دختری که در آستانه سی و دو سالگی‌ست می‌گوید. «شبی که طلوع گم شد»؛ راویِ شهامتِ طلوع و مقابله او با دروغ و سیاست‌های سختِ زندگی مردمِ روستاست.»**

**بخشی از داستان «آن باد»:**
**«این داستان قرار نبود به اینجا برسه! تقصیر خودِ خان‌آقا بود من که کاره‌ای نبودم! خان‌آقا بود که خواند، نوشت او بود که می‌خواست دنیا زیباتر شود. نتوانست رنج و فقر مردم را ببیند و چشم بپوشد از تمام آنچه که سرزمینش را غارت می‌کند. من که معتقدم نویسنده مُرده! آره نویسنده هم پس از خان‌آقا مُرد!... داستان کار خودشو می‌کنه من فقط یه راوی‌ام همین! میخوای اسممو بذار دانای کُل، بذار مریم افشار یا که یه چیزی مثل هر نویسنده‌ی دیگه میم– الف...
اصلاً میخوام اینطوری فکر کنم؛ نه تقصیر شاه بود نه تاریخ! نه مشروطه‌خواهان نه روزنامه‌ها، نه خان‌آقا! دنیا بود که کوچک بود، دنیا نتوانست خان‌آقا را نگه دارد. خان‌آقا جا نشد در این دنیایی که سَر و تَه‌اش به ناکجاآباد می‌رود! دنیا جایِ قشنگی برای خان‌آقا، آمیرزا و مشروطه‌خواهان نداشت!...
چند ماه نگفت. ننوشت. داستان رها شد. بی‌راوی شد. بی‌پایان... بی‌انتشار...»**

**لینک خرید کتاب با 20درصد تخفیف:**
[**http://roshangaran-pub.ir/bookshow/B716601771**](http://roshangaran-pub.ir/bookshow/B716601771)